

عبادت

در اسلام (۲)

برگرفته از یادداشت‌های
حجت‌الاسلام محسن قرائتی

آفات عبادت

از آنجا که شیطان سوگند یناد کرده همه را گمراه کند مگر بندگان مخلص و پاک را که قدرت تسلط بر آنها را ندارد لذا در همه جا بر سر راه انسان ایستاده تا او را به انحراف بکشاند.

شیطان برای فاسد کردن و باطل نمودن عبادت ما از چند راه وارد می‌شود:

۱- از راه ریا. گاهی قبل از عمل در نیت انسان اخلال کرده و او را از قصد قربت بازمی‌دارد. جلوه‌های گوناگون و فریبنده دنیا را در نظر او می‌آورد تا عبادت را فقط برای خدا انجام ندهد بلکه هدفهای مادی همچون رسیدن به بست و مقام، مال و منال را در نیت عبادت دخالت دهد.

۲- از راه عجب. گاهی که در اول کار موفق نمی‌شود و کار برای خدا شروع می‌کردد در بین کار، آنرا برای انسان بزرگ و مهم جلوه میدهد تا دچار عجب و غرور شده و روح عبادت که تقرب به خداست برای او حاصل نشود.

۳- از راه گناه. وقتی که شیطان در اول یا وسط کار ناکام میماند و عبادتی خالصانه انجام می‌شود آن قدر تلاش می‌کند و انسان را

و سوسه می‌کند تا او را دچار لغزش و خطایی کند که عبادتش حبط و ناپود شود. مثل کشاورزی که چندین ماه زحمت بی‌وقفه کشیده و گندم را به عمل آورده و بارنج فراوان آنرا درو کرده و سپس به شکل خرمن درآورده اما در اثر یک بی‌توجهی و انداختن ته سیگار روشن زحماتش را بر باد میدهد و تلاش چند ماهه‌اش دود شده و به هوا می‌رود.

خلاصه شیطان یا جلوی ورود آب زلال عبادت را به ظرف وجود انسان می‌گیرد و یا بعد از پر شدن آنرا آلوده کرده و فاسد میکند و یا زیراب آنرا کشیده و آب را به هدر می‌دهد. بنابراین انسان باید دائماً خود را به خدا بسپارد تا دچار آفات عبادت (ریا، عجب، حبط) نشود امام سجاده علیه‌السلام در دعای مکارم‌الاخلاق چنین از خدا می‌خواهد:

الهی عبادتی لک ولا تفسد عبادتی بالعجب: خدایا مرا بنده خودت کن و عبادتم را با عجب فاسد مگردان.

الهی اعزنی ولا تبنتنی بالكبر: خدایا مرا عزیز گردان ولی گرفتار تکبرم نکن.

در قرآن می‌خوانیم: لا تسئلوا صدقاتکم بالمن والاذی: صدقات و کمکهای خود را با منت گذاردن و آزرده نمودن محرومان باطل

نگشید. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آری کاشتن نهال وقت زیادی نمی‌برد اما به تمر رساندن آن حفظ و احراست زیادی می‌خواهد. نه تنها اعمال بد انسان موجب حبط عمل می‌شود بلکه روحیات و صفات بد نیز گاهی سبب تباهی و فساد نیکبها می‌گردد. در

حدیث می‌خوانیم: ان الحسد یأکل الحسنات کما تأکل النار الحطب. روحیه حسادت حسنات را نابود می‌کند همانگونه که آتش هیزم را تباه می‌کند.

در حدیث دیگری می‌خوانیم: عابدی مفرور و فاسقی شرمنده هر دو وارد مسجد شدند. فاسق بخاطر حال توبه و پشیمانی عوض شد و مؤمنی صادق گشت اما عابد بخاطر غرورش انسان فاسقی از کار درآمد.

در حدیث دیگری می‌خوانیم: عابدی مفرور و فاسقی شرمنده هر دو وارد مسجد شدند. فاسق بخاطر حال توبه و پشیمانی عوض شد و مؤمنی صادق گشت اما عابد بخاطر غرورش انسان فاسقی از کار درآمد.

در حدیث دیگری می‌خوانیم: عابدی مفرور و فاسقی شرمنده هر دو وارد مسجد شدند. فاسق بخاطر حال توبه و پشیمانی عوض شد و مؤمنی صادق گشت اما عابد بخاطر غرورش انسان فاسقی از کار درآمد.

در حدیث دیگری می‌خوانیم: عابدی مفرور و فاسقی شرمنده هر دو وارد مسجد شدند. فاسق بخاطر حال توبه و پشیمانی عوض شد و مؤمنی صادق گشت اما عابد بخاطر غرورش انسان فاسقی از کار درآمد.

در حدیث دیگری می‌خوانیم: عابدی مفرور و فاسقی شرمنده هر دو وارد مسجد شدند. فاسق بخاطر حال توبه و پشیمانی عوض شد و مؤمنی صادق گشت اما عابد بخاطر غرورش انسان فاسقی از کار درآمد.

یک خاطره: شبی در سیمای جمهوری اسلامی مصاحبه‌ای با یک رزمنده شانزده ساله پخش کرد. مصاحبه‌گر پرسید کنار تو چیست؟ گفت خنثی کردن مین. مصاحبه‌گر پرسید: تاکنون چقدر مین خنثی کرده‌ای؟ گفت از لطف خدا زیاد. پرسید عدد آنرا میدانی؟ گفت می‌ترسم بگویم شیطان مرا گول بزند و دچار عجب و غرور شوم و دوستانم که کمتر موفق بوده‌اند احساس کوچکی کنند. الله اکبر!!!

یک ماجرای دیگر: یکی از شاگردان آیه‌الله سید عبدالهادی شیرازی (ره) سر درس اشکال می‌کند و هر چه استاد به نرمی جواب میدهد زیر بار نرفته و سرسختی می‌کند. درس که تمام می‌شود شاگرد نزد استاد آمده و باز اشکال می‌کند. سر حوم شیرازی ۱۴ جواب علمی به شاگرد میدهد. طلاب که قدرت علمی استاد را می‌بینند می‌گویند شما که این قدر مسلط بودید چرا سر درس جواب ندادید و او میفرماید این جوابها یادم بود ولی ترسیدم بگویم روحیه آن طلبه شکسته شود و من دچار عجب و غرور شوم لذا صلاح دیدم که او آزادانه اشکال کند تا شهادت سخن گفتن در او زنده بماند.

آری اولیاء خدا بهترین جواب علمی را دارند و یا بیشترین مین را در جبهه خنثی می‌کنند اما خود را مطرح نمی‌کنند و در مقابل عده‌ای اگر یک سطل زباله برای خیابان و کوچه‌ای بدهند نام خود را بروی آن می‌نویسند تا مردم بدانند فلانی این خدمت را کرده است.

عبادهای باطل

چنانکه در ابتدا گفتیم انسان فطرتاً موجودی پرستشگر و نیایشگر است حال اگر انبیاء دست بشر را نگیرند و او را تربیت نکنند از پرستش‌های ناروا و عشق‌های کاذب سردر می‌آورد.

قرآن در این زمینه توجه خاصی دارد و به کسانی که عبادت غیر خدا می‌کنند می‌فرماید: اگر بخاطر یاری جستن از دیگران به سراغ غیر خدا می‌روید بدانید که ان القوه لله جمیعاً^۵

تمام قدرتها از آن خداست. اگر بدنبال عزت و سربلندی هستید که این چنین اطاعت غیر خدا می کنید بدانید که **لله العزة جميعاً**؛ تمام عزت‌ها بدست اوست. اگر برای تأمین زندگی این چنین در مقابل دیگران کرنش می کنید بدانید که **لا يملكون لكم رزقاً**؛ هرگز روزی‌رسان شما نخواهند بود. اگر امید نفع از این معبودهای خیالی دارید بدانید که: **لا يملك لكم ضراً ولا نفعاً**؛ مالک هیچ نفع و ضرری برای شما نیستند. اگر خیال می کنید که آنها بالاتر و مهم‌تر از شما هستند بدانید که: **عباد امثالكم**؛ آنها نیز بندگانی همانند شما هستند. و اگر پرستش شما بخاطر پرستش نیاکانتان است بدانید که **انتم و آباؤكم في ضلال مبين**؛ شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری هستید.

و اگر از ترس در برابر طاغوتها کرنش و تذلل می کنید از هواداران موسی یاد بگیرید که در برابر آن همه تهدید فرعون گفتند: **فاقص ما انت قاص**؛ هر کاری می‌خواهی بکن ما هراسی نداریم و قدرت تو فقط در این دنیاست.

اگر خیال می کنید که این معبودها در قیامت به فریاد شما می‌رسند سخت در اشتباهید زیرا سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضداً^{۱۲} آنها عبادتها و پرستش‌های شما را نادیده گرفته و نسبت به شما عصبانی و ناراحتند. از همه گذشته شما با چه دلیل و منطقی به سراغ غیر خدا رفته و آنها را عبادت می کنید به قول قرآن **و یعبدون من دون الله مالاً من یسئل به سلطاناً**؛^{۱۳} گروهی بدون هیچ دلیل و برهانی پرستش غیر خدا می‌کنند. بهر حال همه امور بدست خداست **(ولله الامر جمیعاً)**^{۱۴} و جز او کسی لایق بندگی نیست زیرا غیر خدا از ۳ حال خارج نیست ۱- یا وجود خارجی نداشته و فقط ذهنی و خیالی است ۲- یا وجود دارد ولی کارآئی و قدرتی ندارد ۳- یا کارآئی جزئی و موقت دارد آنها همراهِ با انواع منتها و هوسها و تحقیرها.

آری عبادت غیر خدا بهر شکل و در برابر

هر موجودی ممنوع است و لذا در قرآن می‌خوانیم:

ما کان لبشر ان یرثه الله الكتاب والحکم و التبوہ ثم یقول للناس کونوا عباداً لی؛^{۱۵} هیچ انسانی حتی اگر مورد لطف خدا قرار گرفته و به مقام نبوت و قضاوت رسیده باشد حق ندارد به مردم بگوید بنده مطیع و بی‌چون و چرای من باشید.

در حدیثی می‌خوانیم: **من اصغى الى ناطق فقد عبده**؛ هر که بگفته کسی گوش دهد گویا بندگی ناطق و گوینده را نموده است بنابراین سعی کنیم به هر گفته‌ای گوش نداده و پای هر سخنی نشینیم.

در حدیثی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **من اطاع مخلوقاً فی معصية الخالق فقد عبده**؛^{۱۶} هر که در برابر فرمان خدا فرمان مخلوق را گردن نهد در حقیقت غیر خدا را عبادت کرده است.

دنیای امروز اگرچه از نظر علم و صنعت پیشرفت کرده ولی از نظر توحید و یکتاپرستی و دوری از شرک و کفر تغییری نکرده است. اگر دیروز خورشید و ماه و سنگ و چوب را می‌پرستیدند امروز اضافه بر آنها قدرت‌طلبی و نهوت‌پرستی، بشریت را در پرتگاه سقوط قرار داده است.

عبودیت نه عبادت علوم انسانی و فلسفه تشریح عبادت تقویت روحیه عبودیت است. عبودیت یعنی تسلیم بی‌چون و چرای خدا بودن، سلیقه‌ها و خواسته‌های شخصی را کنار گذاشتن، از هیچ کس و هیچ چیز در راه انجام وظیفه ترس و هراس نداشتن، به دنبال خوش آمدن این و آن نبودن و نسبت به نیش و نوش‌ها اعتنائی نکردن.

ابلیس شش هزار سال عبادت کرد اما چون روح تسلیم در او نبود همینکه فرمان خدا برای سجده آدم صادر شد چون با میل و هوس او موافق نبود نپذیرفت و زیر بار نرفت.

قرآن می‌فرماید: **افکلما جاتکم رسول**

بعالاتهوی انفسکم استکیرتم؛ آیا هرگاه پیامبری از طرف خدا قانونی آورد که با سلیقه و تمایلات شما موافق نبود در برابر آن تکبر می‌ورزید؟

در موردی دیگر می‌فرماید: **فلاوربک لایؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لایجد وافی انفسهم حرجاً ممّا قضیت ویسلموا تسلیماً**؛^{۱۷} بخدا سوگند این مدعیان اسلام ایمان واقعی نیاورده‌اند مگر آنکه در مشاجرات و نزاعهایشان ترا به عنوان داور انتخاب کنند و در برابر قضاوت تو هیچ سختی و ناراحتی از قبول آن در وجودشان احساس نکنند و تسلیم بی‌چون و چرای حکم الهی باشند.

آری گاه انسان سالها عبادت می‌کند لکن عبادتی که موافق میل و سلیقه‌اش باشد و همینکه وظیفه شرعی برخلاف میل او شد دست به بهانه‌جویی و عذرتراشی می‌زند.

بیشترین ستایش‌های قرآن در مورد کسانی است که با تمایلات شخصی خود مبارزه کرده‌اند و از مال و جان و فرزند و همسر و رفاه خانه و زندگی دل‌کننده و در راه انجام وظیفه همه گونه مشکلات را بجان خریده‌اند.

تنها معیار ارزشیابی عبادتها، عبودیت است و عبادت بدون آن عادت غرور آفرین و خیالی بیش نیست. عبادت بدون عبودیت بندگی خود است نه بندگی خدا، اطاعت از هوی و هوس و سلیقه خود است نه اطاعت از دستور خدا.

هرگاه که فرمان جهاد می‌آید گروهی می‌گفتند: **لولا اخرتنا الی اجل قریب**؛ چرا این فرمان مدتی تأخیر نیفتاد و حالا صادر شد؟! در جریان تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه عده‌ای گفتند دلیل این کار چه بود؟ قرآن پاسخ می‌دهد: **لنعلم من یتبع الرسول من ینقلب علی عقبیه**؛^{۱۸} تا ببینیم چه کسی از پیامبر پیروی کرده و چه کسی پشت نموده و دهن کجی می‌کند.

در جای دیگر قرآن می‌فرماید: **ما مأموران دوزخ را ۱۹ نفر قرار دادیم و این عدد را وسیله آزمایش افراد ساختیم تا ببینیم چه کسی می‌پذیرد و چه کسی این عدد را مسخره می‌کند.**

بهر حال نمونه کامل عبودیت را در ماجرای حضرت ابراهیم و اسماعیل می توان یافت. هم پدر در اجرای فرمان الهی سستی بسخرج نمی دهد و عذر تراشی و بهانه جوئی نمی کند و هم فرزندی در مقابل این دستور مطیع و فرمانبردار است. همینکه ابراهیم به نوجوان عزیزش می گوید من مأمور ذبح تو شده ام اسماعیل فوری می گوید: یا ایت افعل ما تؤمر^{۲۲} ای پدر معطل نشو و فرمان را انجام بده. در زندگی حضرت ابراهیم نمونه های فراوان و کاملی از عبودیت و تسلیم در برابر خدا به چشم می خورد، گاهی از همسر و فرزندی گذشته، آن دو را برای انجام فرمان خدا در بیابانهای خشک مکه رها میکند و گاهی حاضر می شود در آتش قرار گیرد اما دست از آئین توحید و یکتاپرستی بر ندارد و گاهی بدست خودش فرزندش را ذبح کند.

بهر حال بسیاری از ما اهل عبادتیم نه عبودیت. مسلمانیم اما تسلیم نیستیم.

همین الآن که این بحث را می نویسم و قصد تبلیغ و ترویج دین خداست اگر بگویند لازم است که برای مدتی به فلان روستای دور دست هجرت کنید نمی دانم چقدر حاضریم که بروم، زیرا من عادت کرده ام که در شهر با شرایط مساعد و هوا و غذای مطبوع در محیطی آرام و بدون دردسر چند جمله ای چاپ کنم و بنویسم و خیال کنم دین را ترویج کرده ام. از خداوند می خواهم که در عبادات ما روح عبودیت و تسلیم قرار دهد.

تداوم عبادت

در قرآن می خوانیم: فاعبده واصطبر لعبادته^{۲۳}: تنها خدا را پرستش کن و در عبادت او صبر و پشتکار داشته باش. در حدیثی می خوانیم که رسول خدا (ص) فرمود: آفة العبادة الفثرة^{۲۴}: آنچه ارزش عبادت را از بین می برد و آنرا بی اثر می کند آنست که گاهی انجام شود و گاهی انجام نشود و لذا در احادیث زیادی آمده است که: ان احب الاعمال الى الله

تعالی ادومها وان قل^{۲۵}: بهترین اعمال در نزد خدا با دوام ترین آنهاست و اگر چه آن عمل کم و ناچیز باشد.

پس در نظر اسلام عمل کوچک با دوام از عمل بزرگ بی دوام ارزش بیشتری دارد. حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل از خدا چنین می خواهد: والدوام فی الاتصال بخدمتك:

خدایا مرا یاری نما که دائماً در خدمت تو باشم

سفارش شده است هر کار خیری که شروع کردید حداقل تا یکسال ادامه دهید.

خدا تنها کسانی از مؤمنان را مورد لطف ویژه خود قرار میدهد که در راه ایمان استقامت و پایداری نشان دهند: ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة^{۲۶}.

فرصت عبادت

در اینجا حدیث جالبی از حضرت علی علیه السلام نقل و ترجمه می کنیم که فرمود: ان اللیل والنهار یعملان فیک فاعمل فیهما و یاخذان منك فخذ منهما^{۲۷}: همانا شب و روز در تو کار می کنند (از عمر تو کاسته و سرمایه تو که جوانی و سلامتی و نشاط و فراغت و استعداد است از تو می گیرند) پس تو هم در شب و روز کار کن (برای رشد و تکامل معنوی خود بهره برداری نما و حق خودت را از آنها بگیر) رسول خدا ص فرمودند: الذنسیا ساعة فاجعلوها طاعة^{۲۸}: دنیا ساعتی و لحظه ای بیش نیست پس این ساعت و لحظه را در راه طاعت خدا بکار ببند.

ممکن است انجام فرمان خدا در مناطق و شرایطی ممکن نباشد ولی این ما هستیم که باید با تلاش و هجرت خود زمینه آنرا فراهم کنیم زیرا خداوند می فرماید: ان ارضی واسعة فایای فاعبدون^{۲۹} همان زمین من بزرگ است پس تنها مرا بندگی کنید (اگر در مکانی قدرت عبادت خدا را ندارید از پرندگان کمتر نباشید که با هجرت خود منطقه مناسبی برای زندگی

پیدا می کنند، شما هم محل مناسبی برای عبادت پیدا کنید.)

صحت عبادات

صحت عبادت به عوامل مختلفی بستگی دارد که از مهمترین آنها هدف و نیت عبادت است. باید تنها مقصود از عبادت، رضای خدا باشد زیرا انجام عبادت برای خوشایند مردم یا انتظار ستایش از آنها شرک است^{۳۰} البته اگر هدف خدا باشد و مردم متوجه کار خالصانه شده و علاقمند شوند اشکالی ندارد زیرا او کار را برای مردم انجام نداده است^{۳۱}.

در حدیثی می خوانیم که اگر هدف انسان از تحصیل علم، رضا و قرب به خدا نباشد از بوی بهشت محروم میماند.

ریا در عبادات علاوه بر آنکه حرام است موجب بطلان آن نیز می شود.

کوتاه سخن آنکه از شرایط اساسی صحت عبادات آنست که هدف و نیت قصد قربت بوده و خالص برای خدا باشد.

- ۱ - دعای بیستم صحیفه سجاده ۲ - بقره / ۲۶۴
- ۳ - میزان الحکمة ماده حسد
- ۴ - کافر ج ۲ ص ۳۱۴ ۵ - بقره / ۱۶۵
- ۶ - فاطر / ۱۰ ۷ - عنکبوت / ۱۷
- ۸ - مائده / ۷۶ ۹ - اعراف / ۱۹۴
- ۱۰ - انبیاء / ۵۴ ۱۱ - طه / ۷۲
- ۱۲ - مریم / ۸۲ ۱۳ - حج / ۷۱
- ۱۴ - رعد / ۳۱ ۱۵ - آل عمران / ۷۹
- ۱۶ - نور الثقلین ج ۳ ص ۳۵۷ ۱۷ - بقره / ۸۷
- ۱۸ - نساء / ۶۵ ۱۹ - نساء / ۷۷
- ۲۰ - بقره / ۱۴۳ ۲۱ - مدثر / ۳۰
- ۲۲ - صافات / ۱۰۲ ۲۳ - مریم / ۶۵
- ۲۴ - بحار ج ۷۷ ص ۶۸
- ۲۵ - نهج الفصاحة جمله ۴۵۳ ۲۶ - فصلت / ۳۰
- ۲۷ - العیوة ج ۱ ص ۳۳۱
- ۲۸ - بحار ج ۷۷ ص ۱۶۴ ۲۹ - عنکبوت / ۵۶
- ۳۰ و ۳۱ - تفسیر صافی ج ۲ ص ۳۵